

## گنج

گزارش سکویل وست قابل برداشت است، تثبیت تاسیسات جانبی بهره‌برداری نفت در منطقه است. اگر در آغاز کشف نفت در منطقه تولید چاه‌های نفت به حوضچه‌های روباز هدایت می‌شد.

در زمانی که سکویل وست گزارش می‌دهد دیگر تاسیسات جانبی بهره‌برداری به حدی مستقر شده‌اند که نویسنده در چند جا اشاره می‌کند که نفتی به چشم دیده نمی‌شود. این یک میدان نفتی بزرگ است اما نفتی نمی‌بینیم در عوض جایگاه‌های وسیعی را می‌بینیم که پراز دیگ‌های بخار و کوره‌ها و پیستون‌ها و یاتاقان‌ها و ماشین‌های تراش و تسمه نقال‌های چرمی است که در حال گداختن و کوبیدن و چرخ زدن هستند دکل نفت دیده می‌شود. زمزمه آن به گوش می‌رسد، ولی نتیجه آن هرگز دیده نمی‌شود.

لوله‌های انتقال دهنده مسدود و مهر و موم شده‌اند. گنج چسبناک میدان نفتون در خط لوله عظیمی که بر فراز تپه‌های عجیب به خود می‌پیچد در دشت‌های پراز غلات خوزستان پایین می‌خرد و به طرف آبادان و دریا حمل می‌شود. آلودگی هوا و مسائل زیست محیطی نیز از گزارش سکویل وست قابل برداشت است. در زمان بازدید نگارنده عملیات صنعتی در میدان نفتون به گونه‌ای بوده که در برخی از مناطق گاز شدیداً انتشار داشته است بوی سنگین گاز همه جا و همه چیز را فرا گرفته بود. در نقاطی مشخص از جاده موانعی ساخته بودند و آنجا همه کبریت‌ها را جمع می‌کردند و پس گذشتن از آن منطقه آنها را پس می‌دادند. این امر نشان می‌دهد در مناطقی که سکویل وست یاد می‌کند به همراه داشتن وسیله آتش‌زا چقدر خطرناک بوده است!

او به جامعه‌شناسی مردمی که می‌دیده نیز توجه داشته است. در گزارش خود از مردمانی یاد می‌کند با پوست‌های تیره ایرانی و هندی که احتمالاً حتی خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند و این سوال را مطرح می‌کند که واقعا این مخلوقات ساده از متورهای صنعتی چه ادراکی داشتند؟ در دنیای تخیلات آنها دنیایی که از کار آنان تغذیه می‌کرد چه شکلی داشت؟

آیا هیچ‌گاه به خود زحمت داده بودند تا درباره آنچه ماورای حوزه وظیفه بلاواسطه آنها قرار داشت بیندیشند؟

مسافر میدان نفتون تا آخرین لحظات حضور در منطقه نفتی بین سنت بومی و مدرنیته نلشی از نفت تضاد می‌بیند گزارش خود را این گونه به پایان می‌برد. شب هنگام از تپه‌های بالا رفتیم و در آنجا ایستادیم و میدانی نفتی را نگریستیم که شعله‌های سرخ‌فام آن در تاریکی می‌درخشید. کوه‌های پرچین و چروک دیده نمی‌شدند. واقعا نمی‌توانستیم خود را قانع کنیم که یکی از شهرهای گسترده را در انگلستان صنعتی مشاهده می‌کنیم. ضمن اینکه امکان نداشت نسیم لطیفی که بر صورت مامی وزید، از خاک انگلستان برخاسته باشد. گزارش ویتاسکویل وست از عملیات صنعت نفت ایران در سال ۱۹۲۷ میلادی گویای بسیاری از ویژگی‌های منطقه نفتی و تاثیر بر فرهنگ و زندگی این خطه از ایران است. تأثیری که با کشف میدان جدید نفتی به جاهای دیگر نیز اشاعه پیدا کرد و یکسری بامری (ویتا) سرانجام در دوم جون ۱۹۶۲ میلادی بر اثر بیماری سرطان درگذشت، اما گنج چسبناک میدان نفتون همچنان در لوله‌ها جریان دارد.

شناخته شده دیده می‌شد. همچنین از مدارسی یاد می‌کند که برای کودکان ساخته شده بود. سالن‌های خنک و بیمارستان‌های منظم و زمین‌های تنیس که زنان با لباس‌های تابستانی و مردان با لباس فلافل سفید در آنها بازی می‌کردند. همچنین رفت و آمد خودروها را که پلیس‌هایی با شلوارهای کتان سفید اداره می‌کردند. اتوبوس‌هایی که در حرکت بودند و جاده‌هایی آسفالت‌شده در بین خانه‌های یک طبقه سفید رنگ پیچ می‌خورند و بالا و پایین می‌رفتند. از دیگر رنگ‌نکاتی بوده که سکویل وست را مجذوب خود کرده بود. سکویل وست در خلال گزارش مشاهدات خود به نکته ظریفی اشاره می‌کند و آن سابقه آشنایی ساکنان محلی با نفت بوده که به واسطه چشمه‌های خود جوش نفت حاصل می‌شده است.

او یادآور می‌شود که: بختیاری‌ها نفت را می‌شناختند. آن را بر سطح چاله‌های آب باران شناور یافتند (و آن را) از روی آب جمع می‌کردند. آنها نفت را برای چرب کردن زخم‌ها و خراش‌ها استفاده می‌کردند و ذخایر قیر را تجارت می‌کردند و به عرب‌ها می‌فروختند تا جدار قایق‌هایشان را که بر دجله و فرات شناور بود، با آن آلود کنند. از گزارش سکویل وست همچنین می‌توانیم از چگونگی عملیات حفاری نفت نیز مطلع شویم. او نقل می‌کند که مرد انگلیسی جوانی که به عنوان سرمهندس در میدان نفتون حضور داشته برایش چگونگی عملیات حفاری را توضیح داده است.

انگلیسی جوان با پیراهن و شلوار چروک و دود گرفته برای دادن توضیحاتی به غریبه‌ها بلند می‌شود و می‌گوید: دست‌ها را از اینجا بکنار تا لرزه را احساس کنی. همان گونه که می‌گوید دست‌ها را روی زنجیر می‌گذاری و صدای ضربه نبردی که پایین در اعماق زمین جاری است به انگشت منتقل می‌شود. ولی این لرزه نتیجه ضربات است که هشت دقیقه قبل کوبیده شده است. چگونگی اطلاع‌رسانی در لحظه به نفت رسیدن چاه نیز در نوع خود جالب بوده است. وقتی که تصور می‌کنند چنین لحظه مهیجی نزدیک شده است به آنالی که به چاه نزدیک می‌شوند هشدار می‌دهند. این هشدار موجز و موکد است: سیگار نکشید! در حال حفاری سنگ آهک اصلی سکویل وست همچنین آماری از تعداد چاه‌های نفت در منطقه و میزان تولید نفت را نیز منتشر می‌نماید. بر اساس گزارش او آگاه می‌شویم که در آن سال (۱۹۲۷م) بیش از یکصد حلقه چاه در منطقه‌ای به وسعت پنجاه مایل مربع فعال بوده و در سال چهار و نیم میلیون تن نفت تولید می‌کردند. وقتی این گزارش را با آمار تولید نفت در مسجد سلیمان مندرج در جلد یک کتاب مدیران صنعت نفت مقایسه می‌کنیم که تولید (۹۲۱،۱۰۹، ۴۹) چهل و نه میلیون و نهصد و بیست و یک هزار و یکصد و نه بشکه را نشان می‌دهد، متوجه می‌شویم اطلاعات سکویل وست در این زمینه چقدر دقیق بوده است. البته سکویل وست به این نکته نیز اشاره دارد که چاه‌های دیگر هم وجود دارند که در حال ساخت هستند در اعماق زمین گاهی عمق بیش از یک و نیم کیلومتر بوزه مته در ستبری که هیچ‌گاه چشم بشر فانی آن را ندیده است زمین را می‌کاود و سوراخ می‌کند. مته این دشمن باریک و نوک تیز سانتیمتری به سانتیمتری راه خود را در میان سنگ‌های نهفته باز می‌کند. نکته دیگری که از

«ویکتوریا مری سکویل وست» نویسنده شهیر انگلیسی از جمله اروپاییانی است که در دهه دوم فعالیت صنعت نفت در ایران، موفق شد از مرکز این فعالیت‌ها در شهر کنونی مسجد سلیمان که آن‌ها هنگام میدان نفتون نامیده می‌شد دیدن کند. وی پس از بازگشت، مشاهدات خود را در قالب کتابی با عنوان:

Twelve days and account of a journey across the bactiari mountain is south west Persia

در یکصد و چهل و دو صفحه و به قطع وزیری در سال ۱۹۲۸ میلادی به چاپ رسانید. کتابی که گزارشی از آن را نخستین بار مترجم توانمند زنده یاد مهرباب امیری با ترجمه بخش‌هایی از آن در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. ترجمه کوتاه زنده یاد امیری از کتاب سکویل وست در کتاب آژان کتاب اول در کنار مصاحبه‌ای با او منتشر شده است. شش سال پس از انتشار این گزارش کوتاه: متن کامل کتاب یاد شده به فارسی ترجمه و منتشر شد. کتابی تحت عنوان دوازده روز سفر به سرزمین بختیاری با ترجمه شفق سعد که توسط انتشارات کتاب روز وابسته به نشر فرزاد روز در سال ۱۳۸۰ خورشیدی در اختیار علاقه‌مندان فارسی زبان قرار گرفت و بازخوانی و استخراج گزارش سکویل وست از فعالیت صنعت نفت ایران نیز از روی این ترجمه و البته مقابله با متن اصلی استخراج شده است.

## گزارش سکویل وست از مسجد سلیمان

سکویل وست گزارش خود را از حرکت گروه‌های خود از تهران آغاز می‌کند و پس از آن به دیده‌های خود از اصفهان و سرزمین بختیاری اشاره می‌نماید. مقصد سفر او همراهانش مرکز مناطق نفتی در کوه تپه‌های مسجد سلیمان بوده و هنگامی که به نزدیکی این منطقه می‌رسد سکویل وست تقارن بافت سنتی عشایری با مدنیت صنعتی در ایران را این گونه توصیف می‌کند. چادرهای سیاهی که دشت را نقطه چین کرده بود آخرین اثری بود که از عشایر می‌دیدیم آنچه انتظار ما را می‌کشید مدنیت بود که با آن تضادی حاد داشت. جلده هموار نخستین چیزی بود که برای سکویل وست جالب می‌نمود. این امر نشان از آن دارد که راهسازی در مقطع زمانی یاد شده از اولویت‌های کاری در منطقه عملیاتی صنعت نفت در ایران بوده است. او در این رابطه می‌نویسد: چرخ‌های ماشین ناگهان به نرمی بر سطحی هموار و طراز اول به گردش درآمد. (آیا این) یکی از شاهراه‌های انگلستان است؟ این راه به کجا منتهی می‌شود؟ پورک؟ کمبریج؟ نه؟ احتمالاً به سفید می‌رود به دود نگاه کن.

رونق صنعتی منطقه نیز برای او بسیار جالب بوده است. او گزارش می‌دهد که واقعا هیچ کمبودی وجود نداشت و بر اساس آنچه به ما گفته شد از کوره‌های بلند عظیم تا ماشین‌های تراشی که با کسری از سانتیمتر تنظیم شده‌اند در آنجا وجود داشت. آنجا می‌توانند دیگ بخار بسازند یا دوربین چشمی تعمیر کنند. می‌توانند مته‌ای را بیش از یک کیلومتر در خاک ایران فرو ببرند. مشهود است که در دهه دوم فعالیت صنعت نفت در ایران رونق اقتصادی و مدنیت نوین صنعتی موجود در میدان نفتون (مسجد سلیمان) نیز برای نگارنده بسیار جالب بوده است. او در این رابطه به بیانی که تعجب در آن موج می‌زند از بقالی‌هایی یاد می‌کند که بر پیشخوان آنها کانسروها و بطری‌های